کیهان

یکشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴ □ ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ □ ۵ اکتبر ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۹۷۰

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۱/۵۳، اذان مغرب: ۱۸/۰۱، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۱، اذان صبح(فردا): ۴/۴۰، طلوع آفتاب(فردا): ۶/۰۳

آمریکا چهارمین قایق ونزوئلا را هم منهدم و ۴ شهروند این کشور را کُشت!

در ادامه سیاست جنگ‌افروزی دولت ترامپ در منطقه آمریکای‌لاتین، نیروی هوائی آمریکا به بهانه مبارزه با قاچاق موادمخدر یک قایق دیگر متعلق به ونزوئلا را هدف قرار داده و ۴ ماهیگیر این کشور را کشت.

به گزارش ایرنا، پیت هگست وزیر جنگ آمریکا روز جمعه به وقت محلی با انتشار ویدئویی در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) اعلام کرد که به دستور ترامپ، یک حمله مرگبار و مستقیم علیه یک شناور حامل موادمخدر که با سازمان‌های تروریستی تحریم‌شده ارتباط داشت، انجام شده است. وزیر جنگ آمریکا مدعی شد: در این حمله چهار مرد که به عنوان «تروریست» شناسایی شده بودند، کشته شدند. آمریکا در چند هفته اخیر، سه حمله به کشتی‌هایی که ادعا می‌کند محموله‌های موادمخدر را از ونزوئلا حمل می‌کردند، انجام داده است. طی این حملات دست‌کم ۱۴ ماهیگیر اهل ونزوئلا کشته شده‌اند. رسانه‌های آمریکایی نوشته‌اند قاچاق موادمخدر بهانه است و آمریکا به دنبال تجاوز نظامی به خاک ونزوئلا و تغییر رژیم در این کشور است.

تورم در ترکیه دوباره افسار پاره کرد

تورم ترکیه دوباره به بالای ۳۳درصد رسیده و بانک مرکزی این کشور، که گرفتار مداخلات اردوغان در سیاست‌های پولی است، توان حل مسئله را ندارد.

تورم سالانه ترکیه در ماه گذشته به ۳۳,۲۹درصد جهش کرد، که بسیار بالاتر از انتظارات بود، و نگرانی‌ها از این که بانک مرکزی این کشور ممکن است برای مبارزه با فشارهای قیمتی، سرعت کاهش نرخ بهره خود را کندتر کند را بیشتر کرده است. «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، سال‌ها بر این باور بوده است که نرخ بهره باعث تورم می‌شود. او بانک مرکزی را تحت فشار قرار داد تا حتی در شرایط افزایش تورم، نرخ بهره را پایین نگه دارد. این سیاست، وام‌گیری ارزان را تشویق کرد و به داغ شدن تقاضا و رشد شدید قیمت‌ها منجر شد. با تضعیف بانک مرکزی و دخالت‌های اردوغان لیر ترکیه به‌شدت در برابر ارزهای خارجی سقوط کرد. کاهش ارزش پول ملی این کشور نیز به نوبه خود باعث شد هزینه واردات (از انرژی تا مواد غذایی) جهش قابل‌توجهی پیدا کند.

نگاه

امنیتِ منفصل امنیتِ همیشه در تهدید

امین‌الاسلام تهرانی

رویکردهای «دونالد ترامپ» در سیاست خارجی، به‌ویژه سیاست «اول آمریکا» (America First)، که بر کاهش تعهدات یکجانبه آمریکا و افزایش سهم متحدان در هزینه‌های دفاعی تأکید دارد، نگرانی‌های عمیقی را در میان کشورهای آسیایی مانند ژاپن و کره‌جنوبی ایجاد کرده است، زیرا این رویکرد می‌تواند تعهدات امنیتی بلندمدت آمریکا را کلاً محدود کند و متحدان آمریکا را در برابر تهدیدات منطقه‌ای آسیب‌پذیر کند. این دو کشور، که امنیت خود را عمدتاً به پیمان‌های دفاعی با آمریکا وابسته کرده‌اند- از جمله حضور نظامی گسترده آمریکا در ژاپن (حدود ۵۴ هزار نیرو در بیش از ۸۰ پایگاه) و کره‌جنوبی (حدود ۲۸ هزار نیرو همراه با سیستم‌های دفاع موشکی مانند THAAD)- با تهدید خروج یا کاهش حمایت آمریکا روبه‌رو هستند، چراکه ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود (۲۰۱۷-۲۰۲۱) بارها بر لزوم پرداخت بیشتر هزینه‌ها توسط متحدان اصرار ورزید، مثلاً در سال ۲۰۱۹ تهدید به خروج نیروهای آمریکایی از کره‌جنوبی کرد مگر این‌که سئول هزینه‌های دفاعی را تا ۴۰۰درصد افزایش دهد، و حتی پیشنهاد داد که متحدان باید «اجاره» بپردازند. در دوره دوم (از ۲۰۲۵)، این رویکرد با اعمال تعرفه‌های تجاری سنگین بر واردات از ژاپن و کره‌جنوبی تشدید شده، مانند تعرفه ۲۵درصدی بر کالاهای ژاپنی و کره‌ای از اول اوت ۲۰۲۵ به دلیل نگرانی‌های امنیت ملی و کسری تجاری، که نه‌تنها اقتصاد این کشورها را تحت فشار قرار می‌دهد- با کاهش صادرات خودرو و الکترونیک به ارزش میلیاردها دلار- بلکه اولویت‌بندی ترامپ بر تهدید چین به جای کره‌شمالی، تعادل امنیتی منطقه را مختل می‌کند، زیرا تمرکز بر بازسازی نیروهای آمریکایی در اقیانوسیه برای مقابله با پکن ممکن است حمایت از سئول در برابر پیونگ‌یانگ را کاهش دهد و این کشورها را وادار به بازنگری در استراتژی‌های دفاعی خود کند، از جمله افزایش بودجه نظامی ژاپن به بیش از ۲درصد GDP تا سال ۲۰۲۷ و کره‌جنوبی به ۳درصد، که می‌تواند به تورم، کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی در آموزش و بهداشت، و حتی تنش‌های داخلی منجر شود، همان‌طور که گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که رهبران این کشورها در حال بررسی گزینه‌های مستقل مانند تقویت همکاری دوجانبه ژاپن- کره برای جبران عدم قطعیت واشنگتن هستند.

این نگرانی‌ها منحصر به ژاپن و کره‌جنوبی نیست و کشورهای دیگری مانند فیلیپین، تایوان و استرالیا را نیز در بر می‌گیرد، که امنیت‌شان به‌شدت به تعهدات آمریکا وابسته است و رویکرد ترامپ می‌تواند به تضعیف شبکه‌های دفاعی منطقه‌ای منجر شود و نفوذ چین را افزایش دهد؛ چیزی که از قضا وحشتِ اصلی واشنگتن است! فیلیپین، با پیمان دفاعی متقابل ۱۹۵۱ با آمریکا و پایگاه‌های نظامی مشترک مانند ادکا (EDCA) که اجازه دسترسی آمریکا به ۹ پایگاه را می‌دهد، از سیاست‌های ترامپ که بر «دفاع از خودِ» متحدان تأکید دارد، هراس دارد. زیرا این رویکرد می‌تواند حمایت آمریکا در برابرِ ادعاهای دریایی چین در دریای جنوب چین را تضعیف کند، مثلاً با کاهش کمک‌های نظامی یا الزام مانیل به پرداخت بیشتر برای حضور نیروهای آمریکایی، و فیلیپین را به سمت گزینه‌های مستقل یا حتی نزدیکی بیشتر به پکن سوق دهد، همان‌طور که در سال ۲۰۲۵ ترامپ تعرفه‌های مشابهی را بر فیلیپین تهدید کرد مگر این‌که توافقات تجاری جدیدی امضا شود. تایوان، که امنیتش مستقیماً به فروش تسلیحات و تضمین‌های آمریکا گره خورده- مانند فروش ۴۰۰ موشک هارپون در سال‌های اخیر- با اظهارات مقامات دولتِ ترامپ مانند «البریج کولبی» (معاون وزیر دفاع سابق) مبنی بر اولویت‌بندی اروپا بر آسیا، روبه‌رو است که می‌تواند قدرت دفاعی تایوان را به‌شدت آسیب‌پذیر کند، زیرا ترامپ در دوره دوم بر افزایش سهم تایوان در هزینه‌های دفاعی اصرار دارد و حتی پیشنهاد داده که تایپه باید «هزینه حفاظت» از خود را بپردازد، که این امر می‌تواند به کاهش حمایت آمریکا در برابر تهدید حمله چین منجر شود و تایوان را وادار به سرمایه‌گذاری بیشتر در تسلیحات داخلی کند. استرالیا هم با بازنگری ترامپ در تعهدات امنیتی مواجه است که می‌تواند سیاست‌خارجی کانبرا را به چالش بکشد، زیرا ترامپ تعرفه‌های تجاری بر استرالیا را نیز تهدید کرده و بر لزوم پرداخت بیشتر برای امنیت تأکید دارد، که این امر استرالیا را وادار به هماهنگی بیشتر با متحدان آسیایی مانند ژاپن و هند برای مقابله با عدم قطعیت‌های واشنگتن کند.

چنان‌که گفته شد، امنیت کشورهای آسیایی مانند ژاپن، کره‌جنوبی، فیلیپین، تایوان و استرالیا به طور تاریخی به شکل «امنیتِ منفصل»، با وابستگی به آمریکا، تأمین شده است، که این سنخ امنیت به دلیل اتکا به یک قدرت خارجی، ذاتاً «امنیتِ همیشه در تهدید» است. این کشورها از طریق پیمان‌های دفاعی مانند پیمان ۱۹۵۱ با فیلیپین، حضور نظامی گسترده آمریکا در ژاپن و کره‌جنوبی (با بیش از ۸۰ هزار نیرو در مجموع)، فروش تسلیحات به تایوان، و توافقاتی مانند AUKUS برای استرالیا، امنیت خود را به چتر حمایتی آمریکا گره زده‌اند. اما این وابستگی، که عمدتاً به دلیل ناتوانی یا عدم تمایل این کشورها به توسعه ظرفیت‌های دفاعی کاملاً مستقل شکل گرفته، به معنای شکنندگی در برابر تغییرات سیاست خارجی آمریکا، مانند رویکرد «اول آمریکا»ی دونالد ترامپ است که بر کاهش تعهدات و افزایش هزینه‌های متحدان تأکید دارد. این «امنیت منفصل» به دلیل احتمال کاهش حمایت آمریکا- مانند تهدید خروج نیروها یا اعمال تعرفه‌های تجاری سنگین در سال ۲۰۲۵- این کشورها را در وضعیت «امنیتِ همیشه در تهدید» قرار می‌دهد، که می‌تواند به تجزیه ائتلاف‌های منطقه‌ای، افزایش تنش‌های تجاری و امنیتی و بازسازی ائتلاف‌های جدید بدون وابستگی کامل به آمریکا منجر شود. همان‌طور که گزارش‌ها نشان می‌دهد متحدان آسیایی در حال بررسی استراتژی‌های خودمختار برای مقابله با «آمریکای بیش از حد سلطه‌جو» هستند که البته این بیداری دیرهنگامی خواهد بود.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

پاسخ هوشمندانه و مشروط حماس به پیشنهاد ترامپ

سرویس خارجی-

بامداد شنبه بود که خبر رسید حماس با طرح به اصطلاح «آتش‌بس ترامپ»، موافقت‌هایی کرده و همین امر باعث ذوق‌زدگی عجیب ترامپ و موضع تلویزیونی او مبنی بر این شد که رژیم صهیونیستی باید فوراً حمله به غزه را متوقف کند چراکه او آرزو دارد یک جایزه صلح نوبل داشته باشد! اما متن بیانیه حماس هوشمندانه‌تر از چیزی بود که برخی تصور می‌کردند.

ترامپ چندی پیش طرح ۲۰بندی را با عنوان «طرح آتش‌بس در غزه» تهیه و آن را رسانه‌ای کرد. این طرح به طور کلی همان هدفی را دنبال می‌کند که آمریکا و رژیم صهیونیستی طی بیش از ۲ سال گذشته و با جنگ‌افروزی و کشتار در غزه، به دنبال آن بوده‌اند. به عبارتی آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌خواستند به هدفی که با تجاوز و کشتار ۶۸۰ هزار فلسطینی به آن نرسیده‌اند، این‌بار با مذاکره برسند. آنها تهدید کرده بودند چنانچه حماس با این طرح موافقت نکند، افراد بیشتری را در غزه خواهند کشت. مهم‌ترین بندهای این طرح خلع سلاح و خلع قدرت حماس، عقب‌نشینی مرحله به مرحله رژیم صهیونیستی از غزه، تبادل اسرا و اداره این باریکه از سوی گروه‌های دیگری به رهبری تونی بلر بود! جمعه گذشته ترامپ مجدداً تهدید کرد اگر حماس طرح او را رد کند، دست رژیم اسرائیل را برای کشتار بیشتر در غزه باز خواهد گذاشت. این طرح با توجه به مواضع قبل‌تر ترامپ و نتانیاهو، که به دنبال تسلط آمریکا بر این باریکه و حذف کامل حماس و کوچاندن تمام ساکنان غزه تهیه شده است و هیچ‌کس تصور نمی‌کرد، برای «پذیرفته شدن» تهیه شده باشد. اما ناگهان خبر رسید، حماس به این طرح پاسخ داده است. ترامپ و نتانیاهو اینجا بود که به نوشته آکسیوس «شوکه» شدند. رئیس‌جمهور آمریکا فوراً در تلویزیون حاضر شد و در حالی که می‌گفت «باید جایزه نوبل را به من بدهید»، از پیروزی تاریخی‌اش خبر داد! او از همه کشورها بابت کمکی که به گفته او به این آتش‌بس منجر شد قدردانی کرد و گفت اسرائیل باید فوراً بمباران غزه را متوقف کند!

بیانیه هوشمندانه حماس

حماس ساعاتی بعد بیانیه‌ای منتشر کرد که واقعاً هوشمندانه بود. در بیانیه‌ی این جنبش-که در ادامه متن کامل آن را خواهیم آورد- هیچ اشاره‌ای به خلع سلاح حماس نشده است اما در عین حال، از واگذاری قدرت سخن به میان آمده است. ضمن اینکه خبری از کوچ اجباری نیست و اداره باریکه به دست آمریکا و تونی بلر نیز نیست و فلسطینی‌ها آن را اداره خواهند کرد. تبادل اسرا نیز در این بیانیه آمده است که به نظر می‌رسد، در اینجا باید حماس هوشمندانه‌تر ورود کند چراکه برگ برنده باقی مانده در دستان این جنبش مقابل صهیونیست‌ها، همین اسرا است که چنانچه تبادل صورت بگیرد، صددرصد رژیم صهیونیستی بمباران این باریکه را وحشیانه‌تر از قبل از سر خواهد گرفت. آمریکا و رژیم صهیونیستی همواره از «مذاکره» به عنوان یک تله استفاده کرده‌اند. چه در لبنان، چه در قطر و چه درباره ایران!

اما در بیانیه حماس آمده است: «با توجه به اهتمام نسبت به توقف تجاوز و جنگ نسل‌کشی که مردم ما در نوار غزه با آن روبه‌رو هستند، و از منظر مسئولیت ملی، و اهتمام به اصول ثابت، حقوق و منافع عالی مردممان، جنبش مقاومت اسلامی «حماس» مشاوره‌های عمیقی در نهادهای رهبری خود، با نیروها و جناح‌های فلسطینی، و با برادران میانجی و دوستان انجام داد تا به موضعی مسئولانه در قبال طرح رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، دست یابد... پس از بررسی جامع، جنبش تصمیم خود را اتخاذ و پاسخ زیر را به برادران میانجی تحویل داد... جنبش مقاومت اسلامی حماس تلاش‌های عربی، اسلامی، بین‌المللی و تلاش‌های رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، را که خواستار توقف جنگ در نوار غزه، تبادل اسرا، ورود فوری کمک‌ها، مخالفت با اشغال نوار غزه و مخالفت با کوچاندن مردم فلسطینی ما از آن است، قدر می‌داند... در این چارچوب و در راستای تحقق توقف جنگ و خروج کامل از نوار غزه، جنبش موافقت خود را با آزادی تمامی اسرای اشغالگر، اعم از زنده و اجساد، طبق فرمول تبادل مندرج در طرح پیشنهادی رئیس‌جمهور ترامپ و با فراهم کردن شرایط میدانی برای عملیات تبادل، اعلام می‌کند. در این زمینه، جنبش آمادگی خود را برای ورود فوری به مذاکرات از طریق میانجی‌ها برای بحث در مورد جزئیات این امر تأیید می‌کند... همچنین، جنبش مجدداً موافقت خود را با تحویل اداره نوار غزه به یک هیئت فلسطینی از افراد مستقل (تکنوکرات)، براساس توافق ملی فلسطینی و با اتکا به حمایت عربی و اسلامی، اعلام می‌دارد... مسائل دیگری که در طرح پیشنهادی رئیس‌جمهور ترامپ در خصوص آینده نوار غزه و حقوق اصیل مردم فلسطین آمده است، منوط به موضع ملی جامع و براساس قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی مرتبط است و از طریق یک چارچوب ملی فلسطینی جامع که حماس نیز جزئی از آن خواهد بود و با تمام مسئولیت در آن مشارکت خواهد کرد، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

چرا هوشمندانه؟

همان‌طور که می‌بینیم پاسخ حماس به طرح ترامپ، نمونه‌ای از یک دیپلماسی هوشمند است چراکه بر چهار پایه استوار است: پذیرش اصل آتش‌بس برای توقف فوری جنگ، موکول کردن جزئیات به مذاکرات بعدی، رد قاطعانه هرگونه خلع سلاح، و تأکید بر نقش ضروری خود و فلسطینی‌ها در آینده سیاسی فلسطین. این موضع، هم تمایل به آرامش را نشان می‌دهد و هم خطوط قرمز را مشخص می‌کند.

تله!

برخی منابع عبری می‌گویند از این طرح خشمگین شده‌اند و ترامپ را نیز به خیانت متهم می‌کنند اما هیچ بعید نیست این طرح با هماهنگی ترامپ و نتانیاهو و همان منابع عبری تهیه شده باشد که می‌گویند خشمگین هستند! آمریکا و رژیم صهیونیستی همواره از مذاکره به عنوان تله استفاده کرده‌اند که نمونه ایران و قطر و حزب‌الله لبنان را به خوبی اثبات می‌کند. از آنجایی که صهیونیست‌ها فوراً مذاکرات در مصر برای تبادل اسرا را کلید زده‌اند، هیچ بعید نیست پس از تبادل اسرا، حماس و غزه و طرح آتش‌بس را با هم بمباران کنند! ضمن این که دشمن می‌تواند از رَوند جابه‌جایی اسرا برای شناسایی سران حماس نیز بهره ببرد که ما فکر می‌کنیم هوشمندی مقاومت فلسطین شامل همه این موارد خواهد بود.

اول کشور و ارتش فلسطین

سخنگوی جنبش حماس ساعاتی پس از انتشار بیانیه اعلام کرد حماس هیچ‌گاه تسلیم تسلیحات خود را در نظر نداشته و هیچ‌گاه رضایت خود با مفاد این توافق را به این مسئله مرتبط نساخته است. تسلیم کردن سلاح‌ها تنها زمانی امکان‌پذیر است که کشور فلسطینی کاملی با اختیارات تصمیم‌گیری و ارتشی تشکیل شود. تا زمانی که اشغال ادامه داشته باشد، مقاومت نیز ادامه دارد.

منابع عبری: ترامپ گزینه‌ای برای ما نگذاشت

شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی اما گزارش داد که تل‌آویو در ابتدا قصد داشت مذاکرات را در حالی ادامه دهد که عملیات نظامی در غزه ادامه داشته باشد، اما روند امور برخلاف این برنامه پیش رفت. همزمان، «موریا أسراف» خبرنگار شبکه ۱۳ به نقل از مقامات بلندپایه مطلع از نشست‌های نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد: «اسرائیل» بیانیه حماس را همان‌گونه که ترامپ تفسیر کرده، تعبیر نکرده و آن را به معنای موافقت با طرح نمی‌داند. به گفته این مقامات، ترامپ عملاً هیچ گزینه‌ای برای «اسرائیل» باقی نگذاشت جز اینکه بیانیه حماس را به‌عنوان مبنایی برای آغاز گفت‌وگو در نظر بگیرد. آنان تأکید کرده‌اند که این وضعیت ظرف چند روز آینده تعیین تکلیف خواهد شد: یا روند تبادل اسرا آغاز می‌شود یا «اسرائیل» به عملیات نظامی شدید بازمی‌گردد. کلام آخر اینکه، تقریباً بعید به نظر می‌رسد رژیم صهیونیستی و آمریکا به تعهدات خود در قبال حماس عمل کنند و حماس این را خوب می‌داند. فلذا این چراغ سبز حماس می‌تواند با هدف تنفس‌گیری غزه و بی‌آبروتر شدن صهیونیست‌ها در دنیا نشان داده شده باشد. فقط روز جمعه ۲ میلیون نفر در ایتالیا علیه رژیم منفور صهیونیستی تظاهرات یا تحصن کرده بودند و این عهدشکنی تقریباً قطعی می‌تواند تعداد این تظاهرات‌های میلیونی علیه صهیونیست‌ها را باز هم بیشتر و بیشتر کند.

نتایج مطالعات موسسه گالوپ نشان می‌دهد

۷۲ درصد آمریکایی‌ها هیچ اعتمادی به رسانه‌های کشورشان ندارند

نتایج نظرسنجی مؤسسه گالوپ نشان می‌دهد که اکثریت قاطع مردم آمریکا (۷۲درصد) به رسانه‌های جمعی این کشور اعتمادی ندارند.

بی‌اعتمادی مردم آمریکا به رسانه‌های جمعی این کشور طی سال‌های اخیر به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. درباره دلایل این کاهش اعتماد برخی کارشناسان قطبی‌سازی سیاسی را مطرح می‌کنند. بسیاری از مردم رسانه‌ها را متهم می‌کنند که به‌جای اطلاع‌رسانی بی‌طرف، در خدمت جناح‌های سیاسی عمل می‌کنند. شبکه‌هایی چون سی‌ان‌ان، فاکس‌نیوز، یا ام‌اس‌ان‌بی‌سی اغلب به عنوان بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های خاص محافظه‌کار یا لیبرال دیده می‌شوند و این امر موجب تضعیف اعتبار آن‌ها در میان مخالفان شده است. عامل دیگر، گسترش شبکه‌های اجتماعی است که جریان اخبار جایگزین و فوری را فراهم کرده اما در عین حال باعث افزایش شایعات و اخبار جعلی شده است. جنگ غزه، حمایت رسانه‌های جریانی اصلی در آمریکا از جنایت‌های رژیم صهیونیستی باعث شده است که اندک اعتمادی که مردم به این رسانه‌ها داشتند از بین برود. تازه‌ترین نظرسنجی مؤسسه گالوپ نیز یافته‌های قبلی را درباره بی‌اعتمادی مردم آمریکا به رسانه‌های جمعی تأیید می‌کند. براساس این نظرسنجی تنها ۲۸درصد از آمریکایی‌ها به رسانه‌های جمعی اعتماد دارند که پایین‌ترین سطح در تاریخ این کشور به‌شمار می‌رود و کاهش مداوم اعتماد در میان تمام گرایش‌های سیاسی را نشان می‌دهد. براساس گزارش گالوپ بی‌اعتمادی ۷۲درصد از مردم آمریکا به رسانه‌ها در حالی است که اعتماد آن‌ها به رسانه‌ها در سال ۱۹۷۲ میلادی ۶۸درصد بود. به گزارش فارس به نقل از «آکسیوس»، انتخابات سال ۲۰۱۶ آمریکا که به روی کار آمدن ترامپ منتهی شد، باعث ایجاد شکاف تاریخی بین اعتماد دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان به رسانه‌های جمعی شد؛ اما امروز آمریکایی‌ها در طیف‌های سیاسی مختلف، سطح اعتماد بسیار پایینی را نشان داده‌اند. در نظرسنجی گالوپ، اعتماد به رسانه‌های جمعی در بین جمهوری‌خواهان فقط ۸درصد، در بین دموکرات‌ها ۵۱درصد و در بین مستقل‌ها ۲۷درصد بود. تحلیل نظرسنجی انجام شده نشان می‌دهد که کاهش شدید اعتماد در میان گروه‌های حزبی و جوانان، عامل اصلی کاهش کلی اعتماد بوده است. به نوشته آکسیوس پیش از انتخاب مجدد جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۴، بیش از نیمی از آمریکایی‌ها اعتماد زیاد یا متوسط به رسانه‌های جمعی داشتند؛ با این حال، در دو دهه اخیر اعتماد عمومی به بیشتر نهادهای مدنی آمریکا کاهش یافته و طبق داده‌های گالوپ، رسانه‌ها همچنان کمترین سهم اعتماد را دارند.

اخراج رئیس ستاد نیروی دریایی آمریکا

اما در میان تغییرات گسترده در وزارت جنگ آمریکا رسانه‌های این کشور نوشته‌اند «پیت هگست» وزیر جنگ، «جان هریسون»، رئیس ستاد نیروی دریایی آمریکا را که وظیفه بازسازی امور اداری این نیرو را برعهده داشت، از کار برکنار کرده است. به گزارش ایرنا، تارنمای نشریه پولیتیکو به نقل از دو مقام دفاعی کنونی و یک مقام پیشین دفاعی نوشت که برکناری روز جمعه (۱۱ مهر) هریسون پس از تأیید اخیر «هونگ کائو» معاون وزیر نیروی دریایی، صورت می‌گیرد. پولیتیکو نوشته است: رئیس ستاد وزیر نیروی دریایی یک دستیار ارشد به‌شمار می‌رود که عهده‌دار رتق‌وفتق بی‌دردسر امور است. اما هریسون که در اوایل زمستان ۱۴۰۳ انتخاب شد از میزان قدرت بالایی برخوردار بود و همین مسئله باعث برکناری وی شده است. «هگست» اوایل سال ۲۰۲۵ نیز چندین دستیار ارشد را اخراج و رئیس ستاد مشترک و همچنین فرماندهان نظامی نیروی دریایی، نیروی هوائی و گارد ساحلی را برکنار کرد. سه‌شنبه هفته گذشته نیز هگست صدها تن از ژنرال‌های ارشد آمریکا را در ویرجینیا جمع و آنها را تهدید کرد در صورتی که با برنامه‌های جدید وزارت جنگ آمریکا نتوانند خود را تطبیق دهند باید کنار بروند.

اخراج کودکان بی‌سرپرست

خبر دیگر از آمریکا این که «رویترز» با استناد به نامه‌ای که به رویت این خبرگزاری رسید، گزارش داد که دولت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا به کودکان مهاجر بی‌سرپرست پیشنهاد داده است که در صورت ترک داوطلبانه آمریکا، ۲۵۰۰ دلار دریافت کنند. به گزارش ایرنا به نقل از رویترز مقامات اداره مهاجرت و گمرک (ICE) وزارت امنیت داخلی آمریکا تایید کردند که یک پیشنهاد مالی ارائه شده است، اما میزان آن را مشخص نکردند. رویترز نوشته است که این اقدام، جدیدترین پیشنهاد مالی وزارت امنیت داخلی آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ است که با هدف تشویق به اخراج‌های داوطلبانه صورت گرفته است. براساس این گزارش وزارت خارجه آمریکا در ماه ژوئن (خرداد/ تیر)، ۲۵۰ میلیون دلار به وزارت امنیت داخلی این کشور برای اخراج‌های داوطلبانه اختصاص داد و دولت نیز به مهاجرانی که «داوطلبانه کشور را ترک کردند»، کمک‌هزینه هزار دلاری پیشنهاد داد. طبق نامه‌ای که روز جمعه از سوی دفتر اسکان مجدد پناهجویان وزارت امنیت داخلی آمریکا برای پناهگاه‌ها ارسال شد، این وزارتخانه «کمک‌هزینه یک‌باره دو هزار و ۵۰۰ دلاری برای اسکان مجدد» به کودکان بدون همراه ۱۴ ساله یا بزرگ‌تر ارائه خواهد داد. در این نامه همچنین آمده است که کودکان خردسال اهل مکزیک واجد شرایط این برنامه نیستند، اما کودکانی که تا روز جمعه برای ترک آمریکا داوطلب شده بودند، تحت پوشش قرار خواهند گرفت. به گزارش رویترز «وندی یانگ» رئیس سازمان «کودکان نیازمند به دفاع» که خدمات حقوقی و حمایتی حقوقی به کودکان بی‌سرپرست ارائه می‌دهد، این اقدام را «یک راهبرد ظالمانه» خواند که قوانینی را که روند تعیین صلاحیت کودک برای دریافت حمایت در آمریکا تضمین می‌کند، تضعیف کرده است. یانگ در بیانیه‌ای اعلام کرد: کودکان بی‌سرپرستی که به دنبال امنیت در آمریکا هستند، مستحق حمایت ما هستند، نه اینکه به‌زور وادار شوند با بازگشت به همان شرایطی که جان و امنیتشان را در معرض خطر قرار داده است، موافقت کنند. طبق قانون فدرال، کودکانی که بدون والدین یا سرپرست قانونی به مرزهای آمریکا می‌رسند، به عنوان کودکان بی‌سرپرست طبقه‌بندی می‌شوند و تا زمانی که بتوانند نزد یکی از اعضای خانواده یا تحت سرپرستی موقت قرار گیرند، به پناهگاه‌های دولتی تحت مدیریت فدرال فرستاده می‌شوند.

«ناوگان سایه» روسیه و دلایل وحشت ناتو از آن

در حالی که ناوگان سایه روسیه پیش از این برای دور زدن تحریم‌های نفتی این کشور استفاده می‌شد گزارش «فارین‌پالیسی» نشان می‌دهد که روسیه از این ناوگان برای ارسال پهپاد به کشورهای عضو ناتو نیز استفاده می‌کند! مسئله‌ای که به یک نگرانی جدید برای ناتو تبدیل شده است.

با شروع جنگ اوکراین، روسیه به تحریم‌شده‌ترین کشور جهان تبدیل شده است. اتحادیه اروپا تاکنون ۱۸ بسته تحریمی رسمی علیه روسیه اتخاذ کرده است. این تحریم‌ها بیش از ۲۵۰۰ فرد و نهاد روسی را شامل می‌شوند که دارایی‌هایشان مسدود شده، دسترسی‌شان به بازارهای غربی محدود گشته، یا از خدمات مالی مهم محروم شده‌اند. آخرین دور تحریم‌ها هم نفت و گاز روسیه را هدف قرار داده است. آمریکا هم طی ۳ سال گذشته بیش از ۴/۴۰۰ فرد و نهاد روسی را تحت تحریم قرار داده است؛ این تحریم‌ها شامل شخصیت‌های سیاسی، تجاری، مؤسسات نظامی و صنعتی، بانک‌ها و شرکت‌های روسی است. علاوه‌بر تحریم مستقیم افراد و شرکت‌ها، آمریکا صادرات کالاهای حساس یا فناوری پیشرفته به روسیه را نیز محدود کرده و جلوی واردات انرژی و فلزات خاص از روسیه را گرفته است. آمریکا همچنین ارتباط مالی بین روسیه و بخش‌هایی از سیستم مالی بین‌المللی، به‌ویژه معاملات دلاری، را فلج کرده است. به موازات این تحریم‌ها، روسیه نیز بیکار نبوده و یک شبکه موازی به نام ناوگان سایه برای دور زدن این تحریم‌ها تشکیل داده است. علی‌رغم تحریم‌ها، این ناوگان به روسیه کمک کرده است تا بخش بزرگی از صادرات نفتی خود را حفظ کند؛ برخی برآوردها نشان می‌دهند که بین ۴۰ تا ۶۰درصد نفت صادراتی روسیه (بسته به بازه زمانی) از طریق این ناوگان سایه جابه‌جا می‌شود. براساس گزارش رسانه‌ها و مؤسسات غربی میزان دقیق کشتی‌های این ناوگان سایه دقیقاً مشخص نیست اما تخمین زده می‌شود بین ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ کشتی در این ناوگان حضور دارند.

این یک تهدید است

تا پیش از این تنها نگرانی اروپا و آمریکا از ناوگان سایه کمک این ناوگان به دور زدن تحریم‌های نفتی روسیه بود اما نشریه فارین‌پالیسی در گزارش تازه‌ای درباره «ناوگان سایه روسیه» نوشته است روسیه از این سازوکار نه‌تنها برای دور زدن تحریم‌ها بلکه برای تهدید نظامی علیه کشورهای اروپایی استفاده می‌کند.

فارین‌پالیسی در گزارش خود می‌افزاید: در هفته‌های اخیر، یک نفتکش به نام «پوشپا» که گفته می‌شود تحت کنترل روسیه فعالیت می‌کند، دوباره در دریای بالتیک دردسرساز شده است. مقامات فرانسوی این کشتی را برای بررسی احتمال نقض تحریم‌ها توقیف کرده‌اند، اما طبق تحقیقات دانمارکی، ماجرا فراتر از نقض تحریم‌هاست؛ برخی از پهپادهایی که باعث تعطیلی موقت فرودگاه کپنهاگ در اواخر سپتامبر(مهر) شدند، احتمالاً از روی همین کشتی پرتاب شده‌اند.

به نوشته فارین‌پالیسی، ناوگان موسوم به «ناوگان سایه روسیه» که رسماً تحت پرچم کشورهای دیگر ثبت شده اما عملاً به دستور مسکو عمل می‌کند، این روزها در آب‌های بالتیک رفتاری تهاجمی‌تر از گذشته دارد. خلبانان دریایی دانمارک که از نزدیک رفتار این کشتی‌ها را می‌بینند، از افزایش نگران‌کننده تخلفات دریایی خبر می‌دهند. در همین حال، رهبران اروپایی همزمان با نشست اخیر خود در کپنهاگ، تدابیر امنیتی کم‌سابقه‌ای اتخاذ کرده‌اند. به نوشته این نشریه آمریکایی ماجرا از ۲۳ سپتامبر(۱ مهر) آغاز شد؛ روزی که فرودگاه‌های کاستروپ کپنهاگ و گارِدرمون اسلو به دلیل مشاهده پهپادها در آسمان، برای چند ساعت بسته شدند و ده‌ها پرواز لغو یا منحرف گردید. تحقیقات دانمارک نشان داد سه کشتی ممکن است به عنوان سکوهای پرتاب این پهپادها استفاده شده باشند: یک کشتی با پرچم روسیه، یک کشتی با خدمه روسی، و نفتکش پوشپا.

به گزارش فارس فارین‌پالسی می‌افزاید: با این حال، اروپا نمی‌تواند حضور قانونی کشتی‌های روسی در تنگه‌های دانمارک را ممنوع کند، چون طبق کنوانسیون حقوق دریاها، این آب‌ها بین‌المللی محسوب می‌شوند. همین خلأ حقوقی باعث شده روسیه از فضای خاکستری حقوقی برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. در پایان این گزارش آمده است: ترکیب ناوگان سایه دریایی با پهپادهای رادارگریز یا پنهان‌کار می‌تواند به روسیه امکان دهد نظارت، تهدید و حتی دخالت در مناطق حساس دریایی را بدون استفاده علنی از نیروی دریایی بزرگ به انجام برساند. این رویکرد به‌ویژه در مناطق دوردست، خطوط عرضه دریایی و مناطق درگیر با تحریم‌ها مؤثر است.

مجارستان مقابل اروپا

از سوی دیگر در حالی که اتحادیه اروپا برای قطع کامل وابستگی به انرژی روسیه تلاش می‌کند و دولت دونالد ترامپ از ناتو خواسته است نفت روسیه را رها کنند، مجارستان در برابر این خواسته‌ها مقاومت می‌کند و به خرید نفت روسیه ادامه می‌دهد. خبرگزاری آسوشیتدپرس در این‌باره نوشته است: ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان سال‌هاست که چنین استدلال می‌کند که واردات انرژی بخش جدایی‌ناپذیر اقتصادی این کشور است و تغییر منبع تامین سوخت فسیلی از جای دیگری باعث فروپاشی فوری اقتصادی کشورش خواهد شد. اوربان که روابط دوستانه و نزدیکی نسبت به هر رهبری دیگر اتحادیه اروپا با کرملین دارد به‌شدت با تلاش‌های اتحادیه اروپا برای تحریم مسکو مخالف است. به گزارش ایرنا به نقل از آسوشیتدپرس در حالی که بقیه کشورهای اتحادیه اروپا درباره روابط انرژی با روسیه هشدار داده